

ایا در قرآن ذکرى از امام غائب از نظر آمده است؟

در بین کتاب های حدیث که از پیشینیان به دست ما رسیده است، کمتر کتابی است که از شهرتی به سان «کمال الدین» برخوردار باشد:



در بین کتاب های حدیث که از پیشینیان به دست ما رسیده است، کمتر کتابی است که از شهرتی به سان #171;کمال الدین برخوردار باشد:

در این کتاب که از دیدگاه مکتب تشیع در موضوع غیبت و طول عمر امام مهدی(ع) نوشته شده است، بسیاری از نصوص و احادیث مربوط به این مبحث با ترتیبی خاص به همراه براهینی متین درج شده است.

مؤلف این کتاب، شیخ فقیه ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن- بابویه قمی می گوید: انگیزه من در تألیف این کتاب آن بود که چون آرزویم در زیارت علی بن موسی الرضا(ع) برآورده شد،

به نیشابور برگشتم و در آنجا اقامت گزیدم، و دیدم بیشتر شیعیانی که به نزد من آمد و شد می کردند، در امر غیبت حیرانند و در باره امام قائم(ع) شبهه دارند و از راه راست منحرف گشته و به رأی و قیاس روی آورده اند. پس با استمداد از اخبار وارده از پیامبر اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع) تلاش خود را در ارشاد ایشان به کار بستم تا آنها را به حق و ثواب دلالت کنم. نکته دیگر آن است که خدای تعالی چون آمادگی یکی از بندگان خود را برای طاعتی دانست، او را بدان دعوت می کند تا توفیق آن عبادت را دریابد و مستحق پاداشی به اندازه آن طاعت گردد و اگر غفلت از آن روا باشد، رواست که از همه حقوق خلق خود غفلت کند و خدای تعالی از آن بزرگوارتر است که چنین کند.

پس برای کسانی که حقوق الهی و حقوق خلقش را به جا می آورند، پاداش بزرگی مقرر کرده است که چون مفکری در آن اندیشه کند، جزئی از آن را خواهد شناخت، زیرا به واسطه جلالت و بزرگی قدر آن، نمی تواند کل آن را ادراک کرد، و جزئی از اجزایش این است که به وسیله

امام عادل، مورچه و پشته و هر جاندارى به سعادت مى رسد، زیرا خدای تعالی می فرماید:

#171;و ما تو را نفرستادیم مگر رحمتی برای جهانیان; و بر صحت آن، این قول خدای تعالی در قصه حضرت نوح علیه السلام دلالت دارد که فرمود: گفتم از پروردگار آمرزش طلبید که او بسیار آمرزنده است و

از آسمان باران پی در پی بر شما می فرستد، و از فوائد باران پی در پی، انسان و سایر حیوانات منتفع می شوند، و سبب آن نیز داعیان به دین خدا و هادیان به حق او می باشند، پس پاداش الهی به اندازه قدر ایشان است و عقوبتش بر معاندین از روی حساب. بر این اساس است که می گوئیم برای بقای عالم و صلاح آن نیازمند به وجود امام می باشیم.

شیخ صدوق می گوید:

در این کتاب، اخباری که بدین معنی دلالت دارد، در باب #171;العلة التي یحتاج من اجلها إلى الإمام; نقل نموده ام. از مهم ترین پرسش هایی که در باب امام مهدی(عج الله تعالی فرجه الشریف) مطرح است، عدم ذکرى از نام ایشان در کتاب قرآن است. برخی بر این پندارند که چون نامی از ایشان در قرآن ذکر نشده است لذا اعتقاد به وجود ایشان امری درست نیست.

بی خبر از آن که قرآن که کتاب الهی است و سنت الهی در آن

تقریر یافته است، سخنان خویش را در لفافه بیان می دارد و صاحبان خرد و لب اند که این نکات را در می یابند. مرحوم شیخ صدوق از مفاخر و علمای بزرگ شیعه در کتاب مهم #171;کمال الدین; و تمام النعمه که

در راستای دفاع از وجود امام غائب تقریر یافته، این پرسش را به نحوی مطرح نموده است. وی می گوید: و شگفت نیست اگر نادانان این امت نیز مدت غیبت صاحب الزمان(ع) را طولانی شمارند و بی اصل و اساس و بدون بصیرت از مذهب خود باز گردند و از گفته خداوند عبرت نگیرند که فرمود: #171;آیا مؤمنان را زمان آن نرسیده است که قلوبشان برای ذکر خدا و آنچه از جانب حق فرود آمده است، خاشع گردانند و مانند آنان نباشند که به ایشان کتاب داده شد و مدت را طولانی شمردند و قلوبشان را قساوت فرا گرفت و بسیاری از آنان فاسق شدند; او (آن مردی که در مدینه السلام سخن گفت) پرسید: در قرآن کریم در این باره چه آیه ای نازل شده است؟

گفتم: این سخن خدای تعالی: #171;الم ذلک الکتاب لا ریب فیہ هدی للمتقین الذین یؤمنون بالغیب; که مقصود از ایمان به غیب، ایمان

به حضرت قائم و غیبت اوست.

و داود بن کثیر رقی از امام صادق(ع) درباره این سخن خدای تعالی که #171;هدی للمتقین الذین یؤمنون بالغیب; فرمود: کسی که به قیام قائم(عج) اقرار کند و بگوید که آن حق است.

و یحیی بن ابی القاسم گوید: از امام صادق(ع) از معنای آیه شریفه #171;الم ذلک الکتاب لا ریب فیہ هدی للمتقین الذین یؤمنون بالغیب; پرسش کردم، فرمودند:

مقصود از متقین، شیعه علی(ع) و مراد از غیب، حجت غائب است و شاهد آن نیز این قول خدای تعالی است: #171;می گویند چرا

بر او آیه‌ای از جانب پروردگارش نازل نمی‌شود؟ بگو که غیب از آن خداست و در انتظار باشید که من نیز با شما از منتظرانم؛ پس خدای تعالی خبر داده است که 171؛ الآیة؛ همان 171؛ الغیب؛ است و غیب هم همان حجت است و تصدیق آن نیز قول خدای تعالی است که فرمود: 171؛ و فرزند مریم و مادرش را آیه قرار دادیم؛ که مراد از آن حجت است. علی بن رناب از امام صادق (ع) روایت کند که ایشان درباره

این سخن خدای تعالی 171؛ روزی که بعضی از آیات پروردگارت بیاید، ایمان هیچ نفسی که پیشتر ایمان نیاورده است، به وی فایده نمی‌رساند؛ فرمودند: آیات عبارت از ائمه است و آیت منتظره، حضرت قائم (ع) است و در روز ظهورش که با شمشیر بپاخیزد، ایمان کسی که پیشتر ایمان نیاورده باشد، به وی سود نرساند، گرچه به پدران گذشته وی ایمان آورده باشد.

بعضی از مخالفان درباره این آیه با من سخن گفته و اظهار داشته‌اند که معنای قول خدای تعالی که می‌فرماید: 171؛ الذین یؤمنون بالغیب؛ این است که به حشر و نشر و احوال روز قیامت، ایمان می‌آوردند. به او گفتم: در تأویل نادانی و در گفتارت گمراه، زیرا یهود و نصاری و بسیاری از مشرکین و مخالفین اسلام نیز ایمان به حشر و نشر و حساب و ثواب و عقاب دارند، و خدای تعالی مؤمنان را مدح نمی‌کند به مدحی که فرقه‌های کفر و الحاد نیز با آنها شریک باشند بلکه خدای تعالی مؤمنان را وصف و ستایشی فرموده که مخصوص آنهاست و دیگری با ایشان شریک نیست.

در بین کتاب‌های حدیث که از پیشینیان به دست ما رسیده است، کمتر کتابی است که از شهرتی به سان 171؛ کمال الدین؛ برخوردار باشد:

در این کتاب که از دیدگاه مکتب تشیع در موضوع غیبت و طول عمر امام مهدی (ع) نوشته شده است، بسیاری از نصوص و احادیث مربوط به این مبحث با ترتیبی خاص به همراه براهینی متین درج شده است.

مؤلف این کتاب، شیخ فقیه ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن- بابویه قمی می‌گوید: انگیزه من در تألیف این کتاب آن بود که چون آرزویم در زیارت علی بن موسی الرضا (ع) برآورده شد،

به نیشابور برگشتم و در آنجا اقامت گزیدم، و دیدم بیشتر شیعیانی که به نزد من آمد و شد می‌کردند، در امر غیبت حیرانند و در باره امام قائم (ع) شبهه دارند و از راه راست منحرف گشته و به رأی و قیاس روی آورده‌اند. پس با استمداد از اخبار وارده از پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) تلاش خود را در ارشاد ایشان به کار بستم تا آنها را به حق و ثواب دلالت کنم. نکته دیگر آن است که خدای تعالی چون آمادگی یکی از بندگان خود را برای طاعتی دانست، او را بدان دعوت می‌کند تا توفیق آن عبادت را دریابد و مستحق پاداشی به اندازه آن طاعت گردد و اگر غفلت از آن روا باشد، رواست که از همه حقوق خلق خود غفلت کند و خدای تعالی از آن بزرگوارتر است که چنین کند.

پس برای کسانی که حقوق الهی و حقوق خلقش را به جا می‌آورند، پاداش بزرگی مقرر کرده است که چون مفکری در آن اندیشه کند، جزئی از آن را خواهد شناخت، زیرا به واسطه جلالت و بزرگی قدر آن، نمی‌تواند کل آن را ادراک کرد، و جزئی از اجزایش این است که به وسیله

امام عادل، مورچه و پشته و هر جاننداری به سعادت می‌رسد، زیرا خدای تعالی می‌فرماید:

171؛ و ما تو را نفرستادیم مگر رحمتی برای جهانیان؛ و بر صحت آن، این قول خدای تعالی در قصه حضرت نوح علیه السلام دلالت دارد که فرمود: گفتم از پروردگار آمرزش طلبید که او بسیار آمرزنده است و

از آسمان باران پی در پی بر شما می‌فرستد، و از فواید باران پی در پی، انسان و سایر حیوانات منتفع می‌شوند، و سبب آن نیز داعیان به دین خدا و هدایان به حق او می‌باشند، پس پاداش الهی به اندازه قدر ایشان است و عقوبتش بر معاندین از روی حساب. بر این اساس است که می‌گوئیم برای بقای عالم و صلاح آن نیازمند به وجود امام می‌باشیم. شیخ صدوق می‌گوید:

در این کتاب، اخباری که بدین معنی دلالت دارد، در باب 171؛ العلة التي یحتاج من اجلها إلى الإمام؛ نقل نموده‌ام. از مهم ترین پرسش‌هایی که در باب امام مهدی (عج الله تعالی فرجه الشریف) مطرح است، عدم ذکر نام ایشان در کتاب قرآن است. برخی بر این پندارند که چون نامی از ایشان در قرآن ذکر نشده است لذا اعتقاد به وجود ایشان امری درست نیست.

بی‌خبر از آن که قرآن که کتاب الهی است و سنت الهی در آن تقریر یافته است، سخنان خویش را در لفافه بیان می‌دارد و صاحبان خرد و لب‌اند که این نکات را در می‌یابند. مرحوم شیخ صدوق از مفاخر و علمای بزرگ شیعه در کتاب مهم 171؛ کمال الدین؛ و تمام النعمه که

در راستای دفاع از وجود امام غائب تقریر یافته، این پرسش را به نحوی مطرح نموده است. وی می‌گوید: و شکفت نیست اگر نادانان این امت نیز مدت غیبت صاحب الزمان (ع) را طولانی شمارند و بی‌اصل و اساس و بدون بصیرت از مذهب خود باز گردند و از گفته خداوند عبرت نگیرند که فرمود: 171؛ آیا مؤمنان را زمان آن نرسیده است که قلوبشان برای ذکر خدا و آنچه از جانب حق فرود آمده است، خاشع گردانند و مانند آنان نباشند که به ایشان کتاب داده شد و مدت را طولانی شمردند و قلوبشان را قساوت فرا گرفت و بسیاری از آنان فاسق شدند؛ او (آن مردی که در مدینه السلام سخن گفت) پرسید: در قرآن کریم در این باره چه آیه‌ای نازل شده است؟

گفتم: این سخن خدای تعالی: «الم ذلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ«; که مقصود از ایمان به غیب، ایمان به حضرت قائم و غیبت اوست.

و داود بن کثیر رقی از امام صادق(ع) درباره این سخن خدای تعالی که «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ« فرمود: کسی که به قیام قائم(عج) اقرار کند و بگوید که آن حق است.

و یحیی بن اَبی القاسم گوید: از امام صادق(ع) از معنای آیه شریفه «الم ذلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ« پرسش کردم، فرمودند:

مقصود از متقین، شیعه علی(ع) و مراد از غیب، حجت غائب است و شاهد آن نیز این قول خدای تعالی است: «می‌گویند چرا بر او آیه‌ای از جانب پروردگارش نازل نمی‌شود؟ بگو که غیب از آن خداست و در انتظار باشید که من نیز با شما از منتظرانم«.

پس خدای تعالی خبر داده است که «الآیة« همان «الغیب« است و غیب هم همان حجت است و تصدیق آن نیز قول خدای تعالی است که فرمود: «و فرزند مریم و مادرش را آیه قرار دادیم«; که مراد از آن حجت است. علی بن رئاب از امام صادق(ع) روایت کند که ایشان درباره

این سخن خدای تعالی «روزی که بعضی از آیات پروردگارت بیاید، ایمان هیچ نفسی که بیشتر ایمان نیاورده است، به وی فایده نمی‌رساند« فرمودند: آیات عبارت از ائمه است و آیت منتظره، حضرت قائم(ع) است و در روز ظهورش که با شمشیر بپاخیزد، ایمان کسی که بیشتر ایمان نیاورده باشد، به وی سود نرساند، گرچه به پدران گذشته وی ایمان آورده باشد.

بعضی از مخالفان درباره این آیه با من سخن گفته و اظهار داشته‌اند که معنای قول خدای تعالی که می‌فرماید: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ« این است که به حشر و نشر و احوال روز قیامت، ایمان می‌آوردند. به او گفتم: در تأویل نادانی و در گفتارت گمراه، زیرا یهود و نصاری و بسیاری از مشرکین و مخالفین اسلام نیز ایمان به حشر و نشر و حساب و ثواب و عقاب دارند، و خدای تعالی مؤمنان را مدح نمی‌کند به مدحی که فرقه‌های کفر و الحاد نیز با آنها شریک باشند بلکه خدای تعالی مؤمنان را وصف و ستایشی فرموده که مخصوص آنهاست و دیگری با ایشان شریک نیست.